

فاطمه شریفی

واژه مارش همان کلمه انگلیسی march به معنای پیاده‌روی، رژه‌ای نظامی یا راهپیمایی است و واژه «میرا» به زبان بوسنیایی به معنای صلح است. بنابراین معنای مارش میرا، راهپیمایی صلح است.

مارش میرا، پیاده‌روی داوطلبانه علاقه‌مندان در مسیر جاده مرگ است که به صورت معکوس صورت می‌گیرد و آنها از روستای نزوک (انتهای مسیر) به پوتوچار (ابتدای مسیر) حرکت می‌کنند تا در آخرین روز به گورستانی برسند که اجساد قربانیان در آن دفن است. این برنامه در سال ۲۰۱۰ میلادی در پنجمین سالگرد فاجعه‌از سوی بخشی از رزمندگان که این مسیر را در فرار از سربرنیستا طی کرده بودند، به صورت خودجوش پی‌ریزی شد و حالا تبدیل به مراسمی بزرگ شده که به مناسبت نسل‌کشی بیش از ۸ هزار مسلمان بی‌گناه و غیرنظامی به دست صرب‌ها در سربرنیستا به صورت خودجوش از سوی افراد و گروه‌های مختلف و خانواده بازماندگان کشتار سربرنیستا در بوسنی بر گزار می‌شود. به مناسبت فرارسیدن آغاز این راهپیمایی در بوسنی سرانگ تنها فیلم سینمایی ایرانی که دربراه نسل‌کشی بوسنی ساخته شده است رفته‌ایم تا مروری بر آن داشته باشیم.

«خاکستر سبز» اولین و تنها فیلم بلند خارجی ابراهیم حاتمی‌کیاست، فیلمی که در بوسنی و کرواسی دوران جنگ علیه موضوعی انسانی، عاشقانه و تأثیرگذار، تمرکز دارد. فیلم به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی تهیه شده و به روی پرده رفته است. حوزه هنری به‌عنوان نهادی فرهنگی و انقلابی، نماینده تلاشی است برای گسترش

روایت‌هایی مرتبط با ارزش‌های جهادی و عدالت‌خواهانه. «خاکستر سبز» تلاشی جدی برای پیوند دادن نگاه ایرانی مدافع مقاومت با واقعیات جنگ بوسنی است.

ساخت این فیلم تأکید داشت این پروژه تنها پس از تحقیق و مواجهه مستقیم با سوزه صورت گرفته است: «با خودم شرط کردم تا نروم و سر سفره آنها ننشینم درباره این ماجرا فیلم نسازم». حضور در میانه جنگ حقیقی بوسنی، ضبط واکنش‌های طبیعی آوارگان بوسنیایی و بهره‌گیری از بازیگران بومی، سبب یک روایت صادقانه



و زنده شد.

روایت داستان محور فیلم حول شخصیت مستندسازی ایرانی مدافع مقاومت با واقعیات جنگ بوسنی است. عشقی انسانی در خاک جنگ‌زده بوسنی رهسپار می‌شود. نوار کاست، عکس و نیمه‌پلاک نمادی می‌شوند از کوچک‌ترین امیدها، سرازاز جست‌وجویی است برای یافتن «فاطمه»، کاری که مخاطب را تا میانه‌میدان‌های نبرد می‌کشاند.

حاتمی‌کیا در این اثر، دور از کلیشه‌های مرسوم سینمای جنگ، عاشقانه‌ای زمینی را در میانه ویرانی و مردگان

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۰۸۵۲۳۰

بررسی تنها فیلم بلند خارجی حاتمی‌کیا به مناسبت راهپیمایی سالانه قربانیان بوسنی

«خاکستر سبز» بیان مظلومیت در قاب سینما

روایت می‌کند، در دل تصاویر ویرانه‌ها و سوخته‌ها، ساقه عشق شکوفای می‌شود؛ مفهومی انسانی و فراملی با تمایلی نهفته برای ترمیم شکست‌خورده‌گان جنگ. استفاده از بازیگران غیر حرفه‌ای بوسنیایی در صحنه‌های واقعی آوارگی، سبب نوعی موقعیت تئاترال زنده شد که نه طراحی‌شده، بلکه واقعی است.

اما روایت پر تنش همراه با آشفتنگی شخصیت‌ها و بی‌نظمی فیلمنامه باعث شد از منتقدان «جوابی نصفه و نیمه» دریافت کند و مخاطبان کمتری آن را بیسندند. ابراهیم حاتمی‌کیا، تولید اثر را گامی جسورانه در جهت جهانی‌سازی سینمای انقلاب می‌دانست در زمانی که نگاهش تنها محدود به مرزهای ایران بود. بدین ترتیب، این فیلم نشانه‌ای از ظرفیت بالقوه حوزه هنری برای حمایت از سینمایی است که به‌دنبال ورود به سطح دغدغه‌های بین‌المللی و انسانی برای دفاع از مظلومان است.

فیلم موفق شد در دوازدهمین جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین موسیقی را برای پاول هرتل به دست آورد اما عملکرد گیشه‌ای آن موفق نبود.

جنگ بوسنی (۱۹۹۵–۱۹۹۲) یکی از تراژدی‌های انسانی قرن بیستم بود؛ جنگی مبتنی بر پاک‌سازی قومی، تجاوز، محاصره و بی‌خانمانی انبوه مردم. روایت این جنگ از دریچه‌ای انسانی و عشق، همان رویکردی است که حاتمی‌کیا در «خاکستر سبز» آغاز کرد. چنین نگاهی نه تنها همدلی را بیشتر می‌سازد، بلکه ظرفیت بحث پیرامون حقوق بشر و قطع تجاوز را در قالب جذاب سینمایی فراهم می‌آورد.

تولید ازسوی حوزه هنری نشان داد سازمان‌های داخلی قادرند با استفاده از امکانات‌شان موضوعات جهانی را به‌زبان سینما بیان کنند. ادامه این نگاه می‌تواند موجب گفت‌وتمان مقاومت انسانی فراتر از مناسبات سیاسی شود و در پیج‌های برای گفت‌وگوهای مشترک با فرهنگ‌های مختلف باز کند.

بی‌توجهی به فجایع قومی و تاریخی سبب تکرار رنج‌های مشابه در زمان‌ها و مکان‌های دیگر خواهد شد. پرداخت سینمایی به بوسنی می‌تواند یادآور ضرورت جلوگیری از نسل‌کشی و سوء رفتارهای مشابه در نقاط دیگر جهان مانند رو‌هینگی‌ا، یمن یا اوکراین باشد. درست همانطور که «خاکستر سبز» از طریق زبان عاشقانه وارد جنگ شد، آثار آینده می‌توانند با بهره‌گیری از تم‌های تازه – همچون چندصدایی زبانی، روایت چندنسلی، اسناد و دیگر رسانه‌ها – صدایی متفاوت با سینمای جنگ رایج تولید کنند.

«خاکستر سبز» نمونه‌ای ارزشمند از سینمای انقلابی ایرانی با زبان جهانی است. اثری که نشان می‌دهد اگر بخش‌هایی مانند حوزه هنری و گسترش سینما به مسائلی فراتر از مرزهای سیاسی – تاریخی ایران تورق کنند، می‌توانند آثار انسانی و همدلانه‌ای تولید کنند که در دل مخاطب جهانی نیز تأثیرگذار باشند.

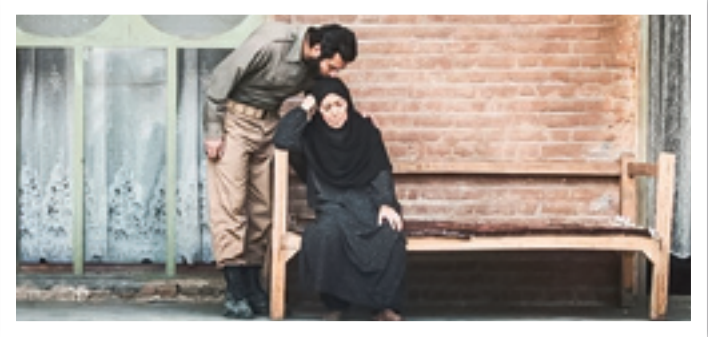
لزوم ساخت آثار رسانه‌ای درباره جنگ بوسنی، نه صرفاً برای یادآوری تاریخ، بلکه برای ایجاد گفت‌وگوی انسانی درباره حقوق بشر، همدلی و مقاومت در برابر سلیزهایی و خشونت قومی است. ادامه دادن این مسیر – با استفاده از ابزار مدرن، همکاری بین‌المللی و تنوع روایت – می‌تواند

نقد فیلم

نگاهی به فیلم «اشک هور» به کارگردانی مهدی جعفری

از دلتنگی ننه علی تا گمنامی سردار هور

سیدعلی هاشمی تا زمان پیداشدن پیکرش رفت و برگشتی تاریخی به قصه دارد و در این میان نقش مادر شهید، تم ملودرام به «اشک هور» بخشیده است. این فیلم علاوه بر نشان دادن پایداری و قهرمان پروری در دوره جنگ این نکته را یادآوری می‌کند که نباید قهرمانان میهن را فراموش کنیم. این پیام به نوعی در دیالوگ‌ها نهفته شده است و در جای از فیلم گفته می‌شود «وای به حال ملتی که قهرمان خودش رو فراموش کنه. فرماندهی که تا وقتی آخرین نیروی خودش رو از جزیره بیرون نکشید سنگرش رو ترک نکرده.» اهمیت این جمله تا جایی است که شاید بتوان گفت این دیالوگ از مهم‌ترین دیالوگ‌های این فیلم است. در مقابل، در صحنه‌ای دیگر از فیلم زمان اعلام خبر شهادت سیدعلی هاشمی را می‌بینیم که خانواده در مواجهه با این پیام به سخت بودن تحمل شایعانی مبنی بر پناهنده شدن شهید هاشمی به عراق را مطرح می‌کنند و می‌گویند «علی خیلی مظلوم بود. بنحوزم مظلومه بعد مغفودشدنش گفتن فعلاً نمیشه حرفی از شهادت واسارتش زد. گفتن اگه اسیر شده باشه و هنوز نشاخته باشنش گرفتار میشه دست دشمن. ما هم سکوت کردیم. کسی که بخاطر کارش تا قبل شهادت مجبور بود گمنام بمونه بعد شهادتش هم بخاطر همین حرف‌ها از یاد همه رفت.» مسئول و فرمانده گرفته تا مردم خوزستان که برانشون این همه زحمت کشیده.» بخشی دیگر از «اشک هور» دل‌تنگی مادری را می‌بینیم که در هور به دنبال نشانه و التیامی برای درد ۲۲ ساله است، اشکی که مادر بر هور می‌ریزد و با همراهی موسیقی به احساسی‌ترین صحنه‌فیلم تبدیل



می‌شود و با عنوان فیلم همخوانی می‌یابد. در زمینه بازی، حضور تورج الوند، رؤیا افشار، ساره رشیدی، رضا ثامری، میثم زارفر و شبنم گودرزی دیدنی است، اما نقش آفرینی رؤیا افشار در مقام مادر سیدعلی هاشمی که «نه علی» خطاب قرار می‌گیرد بسیار باورپذیر و دلنشین است که البته گرم خوب وی هم به نقش، شخصیت و هویت بخشیده‌است. جدای از فیلمبرداری خوب و درست فیلم، موسیقی اثر هم در گیر کردن احساسات و همراه کردن مخاطب بسیار تأثیرگذار است. از دیگر مواردی که در فیلم به آن پرداخته شده تفحص پیکر شهدای میهن عزیزمان است که با جدیت طی سال‌های متمادی انجام شده است. همزمانی لحظات تفحص با موسیقی از اثرگذارترین صحنه‌های فیلم است. صحنه‌های پایانی با صدای هاشمی از سوی هلیکوپتر کماندوهای عراقی و اصابت یک موشک از بالگرد عراقی برای مدتی مخاطب را در تعلیق نسبت به اتفاقی که برای سردار هور رخ داده، پدیرش ننه علی بعد از ۲۲ سال مهر تابیدی بر شهادت سیدعلی هاشمی می‌کوبد.

ناهید منصوری

مهدی جعفری که با ساخت فیلم پر مخاطب «۲۳ نفر» و «یبدو» تجربه خوبی در حوزه دفاع مقدسی کسب کرده بود، در سوم «اشک هور» را به عنوان یکی از تازه‌ترین محصولات سازمان سینمایی سوره کارگردانی کرد تا در جشنواره فیلم فجر به نمایش در آید. فیلمنامه این اثر که از سوی سید محمدمهدی موسوی به نگارش در آمده، به زندگی سردار دلاور هور سیدعلی هاشمی پرداخته است. صحنه اولیه فیلم با متنی از تذکره الاولیا عطار نیشابوری آغاز می‌شود که به روایتی برگرفته از واقعیتهای تکرار و انتظار مادری چشم به راه فرزند اشاره دارد. ماجرا با نمایی از هور خشک شده و تفحص طی سال‌ها بعد از جنگ روایت می‌شود که مخاطبان را در بازگشت به گذشته با شرح مواقع همراه می‌کند؛ آن زمانی که بمباران هوایی در هور جان رزمندگان را گرفت و عراقی‌ها جزیره همچون رابه‌توب و شیمیایی بستند. شرح اتفاقات جنگ از مقر فرماندهی سیدعلی هاشمی آغاز می‌شود و وضعیت سپاه ششم امام صادق(ع) در روز چهار تیر ۱۳۶۷ برای تماشاگر اینگونه نشان داده می‌شود که جبهه به قدری زخمی‌داشت که حتی فرصتی برای برگرداندن مجروحان و گلوله گذاشتن در لوله توپ وجود نداشت. جعفری در ۲۰ دقیقه آغازین فیلم بیشتر، مقاومت هم‌زمان یاران سید علی هاشمی را به تصویر کشیده است. در این صحنه مقاومتی به نمایش گذاشته شده که حتی بمباران‌های پی‌درپی، شهادت نیروها و به اسارت برده شدن تعداد زیادی از رزمندگان، پذیرش عقب‌نشینی را سخت کرده بود. همچنین در این بخش

“

کتاب «حقیقت سمیر» از انتشارات سوره مهر، با هدف ارائه تصویری متفاوت و واقعی‌تر از سمیر قنطار نوشته شده است. این کتاب به زندگی شخصی، مبارزات و دیدگاه‌های او می‌پردازد و سعی دارد تا از زاویه‌ای نزدیک‌تر و انسانی‌تر به این شخصیت نگاه کند. در این کتاب، برخلاف روایت‌های رسمی و غالباً سیاسی که سمیر قنطار را یا قهرمان یا تروریست معرفی می‌کنند، تلاش شده تا ابعاد انسانی و انگیزه‌های پشت فعالیت‌های او روشن شود

فراهم کرده است.

این کتاب به‌ویژه برای علاقه‌مندان به تاریخ معاصر خاورمیانه، مقاومت فلسطینی‌ها و لبنان و همچنین کسانی که دنبال شناختی انسانی‌تر از چهره‌های سیاسی و نظامی منطقه هستند، اثری ارزشمند محسوب می‌شود. حقیقت سمیر نمونه‌ای از تلاش برای روایت حقیقت در میان انبوه روایت‌های متضاد و پیچیده منطقه است که همواره جای نقد و تأمل دارد.

حقیقت سمیر نه فقط زندگینامه‌ای است، بلکه سندی است تاریخی – انسانی که به مخاطب کمک می‌کند تا فراتر از اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای، در ک عمیق‌تری از زندگی مبارزان و ریشه‌های مقاومت داشته باشد. این کتاب در فضای فرهنگی ایران که همواره به مقاومت و داستان‌های انسانی آن اهمیت می‌دهد، جایگاه ویژه‌ای دارد.

بخش‌هایی از کتاب حقیقت سمیر

«از کودکی می‌دیدم که چگونه مردم ما هر روز زیر فشار ظلم و اشغال زندگی می‌کنند. این درد، درد یک ملت بود که در دل من شعله گرفت و باعث شد تصمیم بگیرم که زندگی‌ام را وقف آزادی کنم. مبارزه برای من تنها یک انتخاب نبود، بلکه تکلیف انسانی بود.»

«وقتی اسیر شدم، نمی‌دانستم چه آینده‌ای در انتظارم است. اما با خود عهد بستم که هرگز از باورهایم دست نکشم. زندان برای من مدرسه‌ای بود که در آن ایستادگی و صبر را آموختم. حتی در سخت‌ترین روزها، یاد آرمان‌ها و مردم نگذاشت روحم شکسته شود.»

«در سلول‌های تاریک و سرد زندان، تنها چیزی که مرا زنده نگه داشت، امید به روزی بود که دوباره بتوانم در کنار مردم باشم و برای آزادی و عدالت بجنگم. شاید بسیاری ما را شکست‌خورده می‌دیدند، اما این شکسته‌ها درون ما، آتش مقاومت را فروزان‌تر می‌کرد.»

«بازگشت من به لبنان، پایان یک فصل نبود، بلکه آغاز مبارزات‌های تازه است. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند اتحاد و همبستگی هستیم. من به آینده امیدوارم و معتقدم عدالت دیر یا زود تحقق خواهد یافت، اما باید هوشیار و آماده باشیم.»

«مبارزه ما علیه ظلم است، نه علیه انسان‌ها. من همیشه باور داشته‌ام که صلح و عدالت می‌توانند روزی در منطقه ما برقرار شوند، اما این صلح تنها زمانی ممکن است که ریشه‌های ظلم و اشغال از بین برود.»

این بخش‌ها نمونه‌هایی از زبان ساده و صمیمی سمیر قنطار است که در کتاب «حقیقت سمیر» آمده و خواننده را درون تجربه‌ها و احساسات او می‌برد. این جملات به ما کمک می‌کنند تا بهتر بفهمیم چرا او برای مردمش چنین جایگاهی دارد و چرا زندگی‌اش الهام‌بخش بسیاری از افراد شده است.

کتاب

مرور کتاب «حقیقت سمیر» نوشته یعقوب توکلی

روایت ۳۰ سال مقاومت در زندان‌های صهیونیستی

مرضیه بکان

۲۶ تیر سال ۱۳۸۷ «سمیر قنطار» از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شد. مردی که زمان دستگیری ۱۶ سال داشت و زمان آزادی ۴۶ ساله بود. او یکی از شخصیت‌های برجسته و جنجالی تاریخ معاصر لبنان و منطقه خاور میانه است که زندگی و فعالیت‌هایش همواره موضوع بحث‌ها و تحلیل‌های فراوانی بوده است. او در زمره مبارزان فلسطینی – لبنانی قرار می‌گیرد که در مبارزه با اسرائیل نقش مؤثری داشتند. کتاب «حقیقت سمیر» که از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است، تلاش می‌کند تا گوشه‌هایی از زندگی و شخصیت سمیر قنطار را از نگاه خود او و نزدیکانش بیان کند و به نوعی روایت متفاوتی را از زندگی این مبارز ارائه دهد.

■ ■ ■

سمیر قنطار در سال ۱۹۶۲ در لبنان متولد و از نوجوانی وارد فعالیت‌های مبارزاتی شد. او یکی از اعضای برجسته گروه‌های مقاومت فلسطینی بود و به‌ویژه در سال‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی به دلیل عملیات‌های نظامی که علیه اسرائیل انجام داد، شناخته شد. فعالیت‌های قنطار عمدتاً در چارچوب گروه‌های مقاومت لبنان و فلسطین سمیر قنطار را از نگاه خود او و نزدیکانش، اسرائیل مبارزه می‌کرد، شهرت یافت.

یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین عملیات‌های سمیر قنطار در سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاد که در آن همراه چند نفر دیگر، عملیاتی را در شهر رمت گان نزدیک تر و انسانی‌تر به این شخصیت نگاه کنند. در این کتاب، شد و خود قنطار نیز دستگیر شد و به زندان افتاد. او در زندان اسرائیل بیش از ۳۰ سال را سپری کرد تا اینکه در سال ۲۰۱۸ در پی تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌باله لبنان آزاد شد. بازگشت او به لبنان با استقبال گسترده‌ای مواجه و به نمادی برای مقاومت تبدیل شد.

کتاب «حقیقت سمیر» از انتشارات سوره مهر، با هدف ارائه تصویری متفاوت و واقعی‌تر از سمیر قنطار نوشته شده است. این کتاب به زندگی شخصی، مبارزات و دیدگاه‌های او می‌پردازد و سعی دارد تا از زاویه‌ای نزدیک‌تر و انسانی‌تر به این شخصیت نگاه کند. در این کتاب، برخلاف روایت‌های رسمی و غالباً سیاسی که سمیر قنطار را یا قهرمان یا تروریست معرفی می‌کنند، تلاش شده تا ابعاد انسانی و انگیزه‌های پشت فعالیت‌های او روشن شود.

یکی از نکات قابل توجه کتاب این است که نویسنده تلاش کرده تا از زبان خود سمیر قنطار و افرادی که در کنار او بودند، روایت کند. این روایت، به خواننده کمک می‌کند با دیدی جامع‌تر و عمیق‌تر به زندگی قنطار نگاه کند و بفهمد که او نیز همانند بسیاری از مبارزان در منطقه، درگیر شرایط پیچیده سیاسی، اجتماعی و انسانی شده که انتخاب‌ها و تصمیماتش را شکل داده‌اند.

کتاب به صورت تفصیلی به دوران کودکی، خانواده، انگیزه‌ها و دغدغه‌های قنطار می‌پردازد و نشان می‌دهد مبارزات او ریشه در محرم‌های ظلم‌ها و شرایط ناپراب منطقه داشته است. همچنین بخش‌هایی از کتاب به شرح وقایع زندان و تجربه‌های سخت قنطار در زندان‌های اسرائیل اختصاص یافته که نقش مهمی در شکل‌دهی شخصیت او داشته‌اند.

«حقیقت سمیر» علاوه بر اینکه یک اثر زندگینامه‌ای است، به‌عنوان یک سند مهم از تاریخ مبارزات فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها علیه اشغالگری اسرائیل محسوب می‌شود. این کتاب به خواننده کمک می‌کند تا بهتر بفهمد که مقاومت در خاور میانه تنها یک مفهوم نظامی نیست، بلکه تلفیقی از تجربه‌های انسانی، سیاسی و تاریخی است که افراد در دل آن به تلاش برای تحقق عدالت و آزادی می‌پردازند. سمیر قنطار به‌عنوان شخصیتی که بیش از سه دهه در زندان اسرائیل به سر برد، نمونه بارز ایستادگی و مقاومت است. کتاب «حقیقت سمیر» نشان می‌دهد این ایستادگی نه صرفاً به دلیل اقدامات نظامی بلکه به دلیل